

فصل دِ روى اِين كشت است

عباس عبدي

هنگامي كه به وضعیت جامعه ايران نگاه مي‌كنيم، نمي‌توانيم تعجب خود را پنهان كنيم. شايد براي برخي از ما كه با اين وضعیت عادت کرده‌ايم، امر عجيبی نباشد، ولي اگر يك ناظر بيروني بخواهد وضعیت را توصيف كند، دچار حيرت خواهد شد. بياييد نگاهی به شرایط بيندازيم. انتخابات تمام شده و هفته ديگر دفتر رياست‌جمهوري دست به دست خواهد شد. ذهن بخش مهمي از دست‌اندرکاران متوجه چينش كابينه است. از سوي ديگر در عرصه عمومي شاهد مشكلات و اعتراضات هستيم. تورم در حال ركورد زدن است. مذاكرات برجام متوقف شده است. اختلال در وضعیت آب و برق به عنوان دو زیرساخت حياتي مردم بر كسي پوشيده نيست. بودجه کشور در شرایطی قرار دارد كه چشم‌انداز قابل تحملي را تا پاييز و زمستان ايجاد نمي‌كند. در سياست خارجي اوضاع افغانستان با پيشروي طالبان نامطلوب و خطرناك شده است. كشيدين ديوار در مرز تركيه و ايران، علامت منفي از چگونگي وضع آينده است. وضعیت کرونا نیز مطلقاً قابل قبول نيست. ايران وارد موج پنجم شده و ظاهراً هنوز به نقطه اوج اين موج نیز نرسیده‌ايم. مشكلات واكسيناسيون عمومي همچنان وجود دارد، هر چند تا حدي تخفيف پيدا کرده، ولي در مقايسه با کشورهای ديگر اصلاً مطلوب نيست و مهم‌تر اينكه چشم‌اندازي هم از حل آن ديده نمي‌شود. تازه در سطح جهاني هم کرونا همچنان يکه‌تازي مي‌كند و معلوم نيست در چه افقي قابل مهار است. مرگ و مير ناشي از کرونا بسيار بيشتري از ارقام رسمي است و به همين دليل و براي پنهان‌كاري انتشار آمار رسمي ثبت احوال متوقف شده است، اين مثل اين است كه كسي تب دارد، براي اينكه فكر كنيم تب ندارد، دسترسي به دماسنج را ممنوع كنند!! يا مثل اين است كه آزمونش کرونا نكنيم تا آمار كرونایي‌ها بالا نرود! خب فقط به بهداشت جامعه لطمه زده‌ايم و کرونا را شايع کرده‌ايم و هيچ دست‌آورد ديگري ندارد. وضعیت آموزش دچار يك پسرقت جدي شده است. اگر در مهرماه نتوانيم مدارس و دانشگاه‌ها را باز كنيم، معلوم نيست كه در آينده چه وضعي بر سر آموزش کشور خواهد آمد. گفته ميشود كه ترك تحصيل رشد بيسابقه‌اي داشته است. از سوي ديگر وضعیت اشتغال و درآمد مردم و رشد منفي چند سال گذشته بر كسي پوشيده نيست. خروج نيروهاي كارشناسي از کشور به ويژه پزشكان نیز يكي از بدترين

عوارض این وضعیت است که کمتر در عرصه عمومی به بحث و گفت‌وگو گذاشته میشود.

با وجود چنین تصویری در جامعه باید دید که رفتارها و اولویتهای ساختار رسمی چیست؟ تقریباً هیچ موضع و برنامه روشنی برای هیچ‌کدام از این مسائل گفته نمیشود. به عبارت دیگر مردم و جامعه نمیدانند که برنامه حکومت برای حل این مسائل چیست؟ مردم باید در انتظار چه اقداماتی باشند؟ همه نظرات و راه‌حل‌ها از طرف عرصه عمومی و نخبگان مطرح میشود. در مقابل از طرف ساختار قدرت سکوت پشت سکوت است. حرفهای کلی زدن هیچ دردی را درمان نمیکند. یکی، دو نفر هم منحرف میزنند چنان تصویر مبتذلی از موفقیت‌های خیالی ارایه میکنند که موجب چندش مخاطب میشود. اینکه توصیه شود باید مسائل را حل کرد، کمکی به حل هیچ مساله‌ای نمیکند. سخنان پراکنده و اقتضایی و باری به هر جهت جز اینکه ناامیدی را بیشتر میکنند، هیچ زخمی را التیام نمیبخشند.

مشکل فقط این سکوت نیست، جاهایی هم که اقدام میکنند، عجیب است و بحران را تشدید میکند و این ناراحت‌کننده‌تر است. در چنین شرایطی پلیس درگیر مبارزه سگ‌گردانی حتی وجود سگ در خودرو شده است، مجلس درصدد ایجاد محدودیت‌ها در فضای مجازی است که ده‌ها میلیون نفر از آن استفاده میکنند و نزدیک به 1,7 میلیون نفر به نحوی از این طریق شاغل هستند!! و 1,8 برابر جمعیت 18 سال به بالای کشور حداقل از یکی از این شبکه استفاده میکنند (هر فرد بیش از یک شبکه) عده‌ای دیگر دوچرخه‌سواری زنان را تبدیل به مساله خود کرده‌اند. عده‌ای مشغول تعیین تکلیف رنگ و طرح مانتوی بانوان هستند. با این حساب باید بگوییم اگر امروز به اینجا که هستیم نرسیده بودیم جای تعجب داشت، لذا علت شکست را نباید پرسید که این وضعیت طبیعی است. اکنون فصل دروئی محصولی است که از گذشته کاشته شده است.